

# ریزی در حمایت از زنان بیوه تاکید خانه امن بر ضرورت برنامه

بیست و سه ژوئن» روز جهانی زنان بیوه «نام گذاری شده است چرا که به خصوص در کشورهای در حال توسعه زنان از اقشار آسیب پذیر اجتماع محسوب می شوند و با تبعیض های مضاعف فرهنگی و حتی قانونی روبرو هستند. در چنین روزی باید بر ضرورت برنامه ریزی دولت ایران در ایجاد نهادهای حمایتی از زنان بیوه به ویژه سالخوردگانی که این دوره را سپری می کنند تاکید کرد و به همین مناسبت است که سازمان ملل متحد به منظور حمایت از حقوق و آزادی های اساسی شان در جوامع مختلف کشورهای عضو را دعوت به همکاری می کند.

به نظر نمی رسد در جمهوری اسلامی ایران آمار و اطلاعات دقیقی از تعداد و سن و وضعیت زندگی و اوضاع اقتصادی این زنان موجود باشد. زنانی که به دلیل قانونی بودن سن ازدواج زیر ۸۱ سال گاه بیوگی را از کودکی تجربه می کنند و در جامعه بی درو پیکر امروز که از اوضاع نابسامان اقتصادی به سر می برد از امنیت لازم برای زیست اولیه و اشتغال امن بدون آنکه تحت فشار و آزارهای جنسی قرار بگیرند بهره مند باشند.

از دولت جمهوری اسلامی ایران انتظار می رود با توجه به ارزش هایی که خود را به آن متعهد می داند و از رسانه ها و دستگاه های تبلیغاتی بر این ارزش ها تاکید می کند برنامه ریزی برای زنان بیوه را در صدر اولویت های فرهنگی و اجتماعی خود قرار داده و به جای صرف بودجه برای ترویج شعار سبک زندگی اسلامی در عمل از چنین سبکی برای حمایت از این زنان مدل سازی کند تا جامعه به جای شعار در عمل با بهبود وضعیت این زنان روبرو شود. به خصوص در جامعه ما که بسیاری از دختر بچه ها قبل از رسیدن به بلوغ بیوه می شوند.

۳۲ ژوئن» روز جهانی زنان بیوه «نام گذاری شده است. چرا که بر طبق برآوردهای ملل متحد، به طور تقریبی در تمامی کشورها، بالغ بر ۷ تا ۶۱ درصد کل جمعیت زنان بالغ را زنان بیوه تشکیل می دهند و به این ترتیب میلیون ها زن در سراسر جهان و در ایران با پدیده فقر، آزار و اذیت جنسی و جسمی و روانی، بی خانمانی، آداب و رسوم غلط و حتی قتل های ناموسی، افراط گرایی، منع از ازدواج مجدد و یا ازدواج اجباری، مالکیت و دخل و تصرف در اموال و حتی سو استفاده روبرو می شوند.

از مصادیق دیگری که زنان بیوه از آن رنج می برند فقدان دسترسی به سلامت و بیمه، استانداردهای اولیه زندگی و حتی حق حیات و کرامت انسانی است. حقوقی که با آموزش و تبلیغ و فرهنگ سازی می توان بخش عمده ای از مشکلاتی که این زنان با آن روبرو هستند کاهش داد و جامعه را با حقوق این زنان آشنا کرد.

دبیرکل ملل متحد در پیام سال ۲۰۱۶ به مناسبت چنین روزی بر لزوم حمایت از حقوق زنان بیوه در سراسر جهان تأکید کرد و خاطرنشان کرد: وقتی فردی، شوهرش را از دست می دهد، نباید حقوق خود را نیز از دست بدهد چرا که تعداد ۵۴۲ میلیون زن بیوه در سراسر جهان بسر می برند که تقریباً نیمی از آنان در فقر زندگی می کنند. اغلب خانواده ها و جوامع بر زنان بیوه داغ ننگ می زنند. بسیاری از آنان به دلیل سن یا جنسیت از تبعیض زنج برده و با سوءاستفاده جنسی و جسمی زندگی کرده اند.

بانکی مون در ادامه می گوید: زنان بیوه سالمند اغلب پس از یک عمر کار سخت اما بدون دستمزد، سرمایه اقتصادی اندکی دارند. حتی در کشورهای توسعه یافته، ارزش حقوق بازنشستگی زنان حدود ۰۴ درصد کمتر از مردان است. زنان بیوه جوان به عنوان سرپرست خانوار و مسئول نگهداری فرزندان، با چالش های دیگری روبرو هستند و فرصت های اقتصادی بسیار محدودی دارند.

حال این پرسش اساسی از مقامات جمهوری اسلامی از گذشته تا کنون و همان هایی که امروز قدرت تصمیم گیری دارند وجود دارد که شما برای بهبود وضعیت زنان بیوه چه کرده اید؟ زنان بیوه جوان به دلیل فقدان برنامه ریزی شما از چه مشکلاتی رنج می برند و از چه فرصت هایی محروم هستند؟

کدامین برنامه حمایتی به عنوان دستورکار در سیاست گذاری عمومی دولت جمهوری اسلامی وجود دارد و عواقب چنین کم کاری و اهمالی بر جامعه ایران چیست؟

خانه امن از مسوولان دولتی به ویژه رییس قوه مجریه آقای حسن روحانی می خواهد اندکی به اهمیت این موضوع و عواقب بی برنامه گی و سامان دهی برای زنان بیوه فکر کنند و چنانچه خود نیز به اهمیت آن پی بردند در برنامه ریزی و همراهی با برنامه های بین المللی همراه شده و ارگان های ذی ربط را به پیگیری ویژه این مهم ترغیب و دستورات لازم را صادر کنند.

شاید اگر یک فقره از اختلاس های مالی که در سال های گذشته اقتصاد ایران را با فروپاشی مواجه کرده به این فقره اختصاص می یافت گزارش دولت ایران به ملت و سازمان ملل متحد می توانست به عنوان یک نمونه موفق در منطقه و جهان بدرخشد.

# دنیای بیوگی: دنیای تنهایی و سوءتفاهم

Photo: soupstock/Bigstock.com

مترجم: نعیمه دوستدار

خانه امن: روز جهانی زنان بیوه، یک اسم است و یک رسم، هر سال دبیرکل سازمان ملل پیامی می‌دهد. گاه کوتاه، گاه بلند. امسال هم سازمان ملل برای حمایت از ۵۴۲ میلیون زن بیوه در جهان فراخوانی داده است. اما این پیام‌ها گره‌ای از کار کسی باز نمی‌کند، برای بسیاری ورود به دنیای هزارتوی تنهایی و سوءتفاهم غیرممکن است. این گزارش گارین به بررسی این زندگی از زاویه شخصی چند بیوه پرداخته است که نعیمه دوستدار آن را به فارسی برگردانده است.

سال ۹۹۹۱ وقتی مادرم در بستر مرگ بود، به من نگاه کرد و گفت: «برایم مهم نیست که خاکسترم را کجا می‌ریزی. فقط قول بده آن را در الن ویله نریزی.» الن ویله نام قبرستانی بود که پدرم آنجا دفن شده بود. آنجا هنوز قبرهای خالی وجود داشت؛ اما پیام مادرم روشن بود. او هنوز پدرم را به خاطر اینکه ترکش کرده بود نبخشیده بود. پدرم ناگهان مرده بود و مادرم را تنها گذاشته بود. آن موقع پدرم ۳۷ ساله و مادرم ۱۶ ساله بود. آنها فکر می‌کردند که با هم پیر خواهند شد. اما پدرم ناگهانی مرده بود. تنها چیزی که مادرم از پدرم پیدا کرد، شکلات‌های هالوین در کشوی میز دفتر کارش بود. مادرم غم را تاب آورد اما هرگز پدرم را به خاطر اینکه ترکش کرد نبخشید.

آمارها می‌گویند که زنان بیشتر از مردان بیوه می‌شوند و تعداد کسانی که بعد از مرگ شوهرشان ازدواج می‌کنند کمتر است. در آمریکا از ۳۱ میلیون نفر که همسرشان را از دست داده‌اند، ۱۱ میلیون زن هستند. بسیاری از زنان در مواجهه با بیوگی غافلگیر می‌شوند؛ چون توقعش را ندارند و درباره آن صحبت نمی‌کنند.

بئاتریس بی شوارتز، متخصص مراقبت‌های پزشکی است که سال ۲۱۰۲ بیوه شده. او فکر می‌کند که هیچ‌کس نمی‌تواند یک زن را برای آنچه که قرار است با بیوگی با آن مواجه شود آماده کند: «دنیا با بیوگان همدلی ندارد. به تو زمان نمی‌دهد تا غمت را از سر بگذرانی.»

همسر بئاتریس ناگهان در ۷۶ سالگی مرد: او همیشه به من می‌گفت که قبل از من می‌میرد و تمام مسائل مالی‌اش را برایم تشریح کرده بود. رازی در میان نبود. او می‌گفت: «تو باید زندگی‌ات را ادامه بدهی و باید بدانی چی به چی است.»

با این حال، وقتی همسرش یک روز صبح افتاد و یک ساعت بعد از دنیا رفت، بئاتریس ناگهان با فشار بزرگی مواجه شد.

صاحب‌خانه آمد دم در و سراغ سند ازدواج آن را گرفت چون قرارداد به اسم شوهرم بود می‌خواست ببین من قانوناً حق زندگی کردن در آن خانه را دارم یا نه. حتی چند روز هم برای کنار آمدن با خودت و شرایط جدید نداری... مسایل مالی باید انجام شوند و دنیای کارهای مالی ساده نیست.

در حساس‌ترین شرایط زندگی یک زن، او باید تصمیم‌هایی را بگیرد که خیلی مهم هستند و اثرات مهمی دارند.

با همسر درگذشته باید چه کند؟ کجا باید مراسم بگیرد؟ آیا باید فوراً دفن شود؟ مراسم را باید در خانه برگزار کند یا در سالن ترحیم؟ چطور باید هزینه‌های سرسام‌آور تدفین را تامین کند؟

## ناگهان تنها شدم

بلیندا پاچکو، که در فرانسه زندگی می‌کند چون حالا که بیوه شده نمی‌تواند به آمریکا برگردد. اما همسرش پائولو در سال‌های آخر زندگی‌اش که درگیر سرطان بود، اصلاً دوست نداشت درباره برنامه‌ریزی برای آینده حرف بزند. بلیندا می‌گوید: او مرا بی‌پول و آس و پاس رها کرد. من دوستش داشتم، اما آدم سختگیری بود. نمی‌شد با او درباره مرگ حرف زد.

بلیندا سال ۸۹۹۱ پائولو را دید. آن موقع در هلند به عنوان مشاور بیمه‌های دریایی کار می‌کرد و بلیندا دستیار مدیر شرکتی در میشیگان بود. بعد از مدتی طولانی رابطه از راه دور، پائولو از هلند مهاجرت کرد و پیش بلیندا رفت و آنها در سال ۹۹۹۱ ازدواج کردند.

بعدها آنها دوباره به اروپا برگشتند. بلیندا به دانشگاه رفت. آنها به خوبی و خوشی زندگی می‌کردند تا فاجعه رخ داد. پسر بلیندا که در آریزونا

زندگی می‌کرد دچار ام اس شدید شد. او باید برمی‌گشت تا از پسرش مواظبت کند. آنها دوباره به رابطه از راه دور خود برگشتند.

سال ۲۰۱۲ از بیمارستانی در آمستردام با او تماس گرفتند و به او خبر دادند که پائولو خیلی بیمار است، دکترها تومور بزرگی در شکمش کشف کرده بودند و باید عملش می‌کردند. او به سرعت پرواز کرد تا پیش او باشد.

بعد از عمل و درمان‌های طولانی، سرطان پائولو بهتر نشد. بلیندا و پائولو جایی در جنوب فرانسه پیدا کردند و برای مدتی پائولو بهتر شد اما سرطان متاستاز کرد و به ریه‌هایش رسید و بعد از رنج فراوان، در سال ۲۰۱۲ از دنیا رفت.

ناگهان تنها شدم. در یک کشور غریب بودم. در کشورم بیمه اجتماعی نداشتم اما در فرانسه اجاره خانه و بیمه‌ام را دولت تامین می‌کرد. بنابراین اینجا ماندم. اینجا را دوست دارم اما مدتی طول کشید تا اوضاع بهتر شود. هر طور برنامه‌ریزی می‌کردم، پولم نمی‌رسید. چون پائولو همیشه کارهای پرداخت قبضه‌ها و ... را انجام می‌داد. او نمی‌خواست با واقعیت مرگش روبه‌رو شود و فکر می‌کرد مرگ هم مثل آدم‌های زندگی‌اش از او اطاعت می‌کند.

فرانچسکو گیگوب، زن همجنس‌گرای متخصص ویروس‌شناسی و ساکن بوستون بیوه شد، کاملاً برای این مساله آماده بود. همسرش یک زن وکیل جوان و پولدار به نام دب بود، فرانچسکو می‌دانست که همسرش سرطان پستان دارد. با اینکه سرطانش کنترل شده بود، دب به فرانچسکو هشدار داده بود که سرطان پستان ممکن است عود کند.

آنها عاشق شدند، ازدواج کردند و برنامه ریختند که بچه‌دار شوند، اما وقتی دب رفت دکتر و از درد پشت نالید، فهمید که سرطانش برگشته است. فرانچسکو به یاد دارد که دب خیلی ناراحت بود اما درمان را شروع کرد و به تاموکسیفن خوب جواب داد.

در طول سه سال، سرطانش کنترل شد اما درمان نشد. دب با واقع‌بینی عزیرانش را برای زندگی بدون خودش آماده کرد. همه مسایل حقوقی را حل کرد، مسایل مالی را سر و سامان داد و تا جایی پیش رفت که فرانچسکو را واداشت با یک روانشناس گفت و گو کند.

دب از دنیا رفت، همان طور که خودش خواسته بود: در خانه کنار فرانچسکو. با کمک دوستان و بستگان، فرانچسکو این مرحله را به سادگی گذراند. او خوش شانس بود چون در جمع دوستانش بود.

## احساس تبعیدشدگی

موانع اجتماعی بیوه شدن اما می‌تواند بسیار پیچیده‌تر از مسایل مادی باشد.

فرانسی بونومی نویسنده، روایتی از دوستش پگی نقل می‌کند که یک فرد با نفوذ در محل زندگی خودش بود. اما صبح یک روز بیدار شد و همسرش را کنار خودش مرده یافت. ناگهان ساکن دنیای بیوگان شد. از دنیای افراد متاهل حذف شده بود، همان‌هایی که زمانی بهترین دوست هایش بودند. و به دنیای افراد مجرد و تنها تبعید شد. احساس می‌کرد دیگر وجود ندارد.

بنیلدا می‌گوید که بیوه شدن نوع خاصی از تنهایی است؛ خیلی متفاوت با هر شکل دیگری از جدایی: «مگر اینکه با یک بیوه دیگر بتوانی وارد گفت‌وگو شوی. بقیه حرفت را نمی‌فهمند. وقتی طلاق می‌گیری خانواده‌ات دیگر شکل سابق را از دست می‌دهد اما به هر حال به راحت ادامه می‌دهی. می‌دانی که آن مرد دیگر شوهرت نیست؛ مردی که زمانی دوستش داشتی، ممکن است عصبانی شوی، فحشش بدهی، چیزها را پرت کنی، اما وقتی او مرده باشد، کسی نیست که حتی از دستش عصبانی شوی.»

ادامه دادن زندگی پر از موانع جدید است. برخی از زنان نمی‌توانند تنها بمانند و از انگ بیوه بودن می‌ترسند تا جایی که ممکن است تن به رابطه با کسی بدهند که آنها را دوست نداشته باشد.

«این جور مردها حس ششم دارند، می‌دانند که داری آزار می‌بینی که وضعیت حساس است، به زن احساس دوست داشته شدن می‌دهند و بعد غیب می‌شوند.»

بعضی از زنان هم فکر می‌کنند که دیگر نیازی به رابطه ندارند. بلیندا می‌گوید: «فکر نمی‌کنم که بخوام با مرد دیگری وارد رابطه شوم. برای من تمام شده، من کارم را کرده‌ام. شاید چون خیلی احساس پیری می‌کنم. شاید احساس گناه می‌کنم یا شاید چون نمی‌توانم با احساساتم کنار بیایم.»

سالانه ۰۰۸ هزار زن شریک خود را از دست می‌دهند و به دنیای ناعادلانه و نامهربان بیوگی پرتاب می‌شوند. سوءتفاهم‌های دوستان و فامیل‌های از خود راضی آنها را آزار می‌دهند. در برخی از کشورها بیوه‌ها مجبور می‌شوند با اعضای فامیل همسر سابق‌شان ازدواج کنند یا در انزوا بمانند.

فرانچسکو می گوید هر زنی باید قبل از از دست دادن همسرش با این موضوع مواجه شود. این مساله باعث می شود که وقتی این اتفاق واقعا افتاد، آنها برای آن لحظه آماده باشند: « داشتن اراده و انگیزه زندگی حتی اگر اتفاقات آینده قابل پیش بینی نباشند، مهم است. من توصیه می کنم که به یک فرد معتمد هم دسترسی داشته باشید: کسی که در صورت لزوم بتوانید در تصمیم گیریهای پزشکی با او مشورت کنید.»

بئاتریس می گوید: «گفت و گو درباره مرگ هدیه ای است که هر کدام از همسران می توانند به آن دیگری بدهد. آدم ها باید این هدیه را به هم بدهند.»

## روز جهانی زنان بیوه

گاردین گزارش خود تحت عنوان دنیای بیوگی: دنیای تنهایی و سوتفاهم را به مناسبت 23 ژوئن « روز جهانی زنان بیوه » منتشر کرده است . بر طبق مستندات سازمان ملل متحد یکی از گروه های خاص زنان که همواره حقوق و آزادی های اساسی اشان در جوامع مختلف، بخصوص در کشورهای کمتر توسعه یافته پامال شده، حقوق زنان بیوه است. به همین مناسبت سازمان ملل متحد به منظور پایان دادن به وضعیت نامناسب زنان بیوه و ارتقا وضعیت آنها از کلیه کشورهای عضو در چنین روزی دعوت به همکاری بین المللی می کند. روزی که این گروه از زنان در بسیاری جوامع کمتر دیده می شوند و در اولویت برنامه ریزی های عمومی قرار نمی گیرند .

هم اکنون نیز صندوق جمعیت سازمان ملل متحد برای حمایت از حقوق بیوه گان برنامه های متعددی را تعریف و از دولت های عضو می خواهد در پیگیری این برنامه پیگیر باشند.

منبع: [گاردین](#)

---

# فراخوان بان کی مون برای حمایت از 245 میلیون زن بیوه در جهان

Photo : ITU/Youtube

متن پیام بان کی مون را بخوانید:

245 میلیون زن بیوه در سراسر جهان بسر می برند که تقریبا نیمی از آنان در فقر زندگی می کنند. اغلب خانواده ها و جوامع بر زنان بیوه داغ ننگ می زنند. بسیاری از آنان به دلیل سن یا جنسیت از تبعیض زنج برده و با سوءاستفاده جنسی و جسمی زندگی کرده اند.

زنان بیوه سالمند اغلب پس از یک عمر کار سخت اما بدون دستمزد، سرمایه اقتصادی اندکی دارند. حتی در کشورهای توسعه یافته، ارزش حقوق بازنشستگی زنان حدود 40 درصد کمتر از مردان است.

زنان بیوه جوان به عنوان سرپرست خانوار و مسئول نگهداری فرزندان، با چالش های دیگری روبرو هستند و فرصت های اقتصادی بسیار محدودی دارند.

دستور کار 2030 برای توسعه پایدار با تعهد به در نظر گرفتن اینکه هیچ فردی نباید عقب بماند، پژواک ویژه ای برای زنان بیوه دارد که از منزوی و محروم ترین افراد هستند.

در روز جهانی زنان بیوه اجازه دهید متعهد شویم تا زنان بیوه در جوامع بیشتر دیده شوند و از آنان برای زندگی مولد، برابر و رضایت بخش حمایت کنیم.

منبع: [ایسنا](#)

## امروز روزی برای زنان بیوه

۳۲ ژوئن «روز جهانی زنان بیوه» نام گذاری شده است. بر طبق مستندات سازمان ملل متحد یکی از گروه های خاص زنان که همواره حقوق و آزادی های اساسی اشان در جوامع مختلف، بخصوص در کشورهای کمتر توسعه یافته پامال شده، حقوق زنان بیوه است. به همین مناسبت سازمان ملل متحد به منظور پایان دادن به وضعیت نامناسب زنان بیوه و ارتقا وضعیت آنها از کلیه کشورهای عضو در چنین روزی دعوت به همکاری بین المللی می نماید.

یکی از اولویت های اساسی نهادها و ارکان حقوق بشری در چنین روزی همواره مقابله با تبعیض علیه زنان بیوه در کشورهای در حال توسعه به عنوان یکی از اقشار آسیب پذیر بوده است. زنانی که در این کشورها فاقد نهادهای حمایتی و حتی آمار و اطلاعات دقیق از تعداد و سن و وضعیت زندگی و اوضاع اقتصادی هستند و همین امر بر وضعیت تبعیض آمیز و اسفبار بار زنان بیوه در این کشورها اضافه میکند.

بر طبق برآوردهای ملل متحد، به طور تقریبی در تمامی کشورها، بالغ بر ۷ تا ۶۱ درصد کل جمعیت زنان بالغ را زنان بیوه بشکلی می دهند. با این همه، این آمار در برخی از کشورها، بیشتر هم می شود. در کشورهای توسعه یافته، بیوگی عمدتاً موضوعی مرتبط با زنان سالخورده است، در حالی که در کشورهای در حال توسعه، زنان جوان نیز با این موضوع مواجه می شوند و حتی در برخی از مناطق، دختران قبل از رسیدن به بلوغ، بیوه شدن را تجربه می کنند. <sup>۱</sup>

میلیونها زن در سراسر جهان که با پدیده فقر، خشونت، بی خانمانی، آزار و اذیت روانی و جسمی، محدودیت آداب و رسوم غلط و افراط گرایی در رنج هستند. زنانی که در برخی جوامع از حق مالکیت و دخل و تصرف در اموالشان محروم میشوند. مورد تعرض جنسی قرار میگیرند، از ازدواج مجدد منع میشوند یا به ازدواج اجباری در می آیند. دبیرکل ملل متحد در پیام سال گذشته خود بر لزوم حمایت از حقوق زنان بیوه در سراسر جهان تأکید کرد و خاطرنشان ساخت: «وقتی فردی، شوهرش را از دست می دهد، نباید حقوق خود را نیز از دست بدهد.» همچنین در پیام دبیرکل به مناسبت فرارسیدن روز جهانی زنان بیوه در سال ۲۰۱۲، خاطرنشان شده است که اکنون بالغ بر ۵۱۱ میلیون زن بیوه در فقر زندگی می کنند و ۱۸ میلیون زن بیوه نیز از سوءاستفاده و آزار و اذیت جسمی در رنج به سر می برند.

برخی از مهم ترین مصادیق حقوق بشر زنان بیوه که در کشورهای مختلف در سراسر جهان، در معرض نقض قرار دارد، عبارتند از: حق سلامت، حقوق اقتصادی و به طور خاص حق برخورداری از مالکیت و استقلال اقتصادی، حق حیات، حق کرامت و حق برخورداری از حداقل استانداردهای مطلوب زندگی و سایر موارد.

هم اکنون نیز صندوق جمعیت ملل متحد و نهاد زنان ملل متحد، برای حمایت از حقوق بیوگان، برنامه های بین المللی مختلفی را دنبال می کنند. همچنین صندوق جمعیت ملل متحد بر لزوم حمایت مضاعف از بیوگان جوان و حتی نوجوان که در سنین بسیار پایین ازدواج کرده و بیوه شده اند، تأکید کرده است. تا دولت ها با وضع قوانین و مقررات و اجرایی کردن این قوانین، از بیوگان حمایت کنند.

## آنچه مرا رنج می داد



## Beshef عکس:

روزنامه نگار - فیروزه فروزانفر

وقتی شوهرم از کوه پرت شد و من و بچه ها را تنها گذاشت مزه خشونت را چشیدم. رضا هم شوهر بود و هم رفیق. اگرچه وضع مالی ما خوب نبود ولی خوشبخت بودیم.

مراسم چهلم که تمام شد هنوز گیج بودم با این وجود متوجه تغییر رفتار خواهرم شدم. خواهری که 22 سال هم اتاق بودیم و از غم و شادی اگر 10 بار تلفن می کردم و درد دل های هم با خبر، حالا سرد شده بود و به گرمی و صمیمیت قبل نبود. تعارف هایش هم واقعی نبود. یک بار جواب می داد.

کم کم متوجه شدم خیلی خوشش نمی آید که با شوهرش حرف بزنم و یا به خانه آنها رفت و آمد کنم اگر چه صراحتا حرفی نمی زد ولی نمی توانست رفتارش را کنترل کند. من به خوبی متوجه دلشوره او بودم ولی هر چه فکر می کردم دلیل آن را نمی فهمیدم.

یک روز مادرم سر صحبت را با من باز کرد و گفت: عزیزم رضا سایه سرت بود و رفت و از حالا باید مراقب باشی. مراقب حرف زدنت، حتی لباس پوشیدنت. نگاهش کردم. چه فایده داشت بحث کنم یا استدلال بیاورم. مانند آدمی بودم که از یک سیلی محکم سرگیجه گرفته و با سر توی دیوار رفته است. مادرم گفت که خواهرت حق دارد. شوهرش جوان است و خام و دلش هزار راه می رود. مادر از من می شنوی کمتر خونه خواهرت برو.

4 ماه که گذشت افتادم دنبال کار و خدا می داند چقدر سخت کار پیدا کردم ولی آنچه من را رنج می داد نه رفتار صاحب کار و بقال سر کوچه، رفتار اطرافیانی بود که قبلا با من و رضا دوست بودند. رفت و آمد داشتیم. نون و نمک هم را خورده بودیم و با هم زیارت و سیاحت رفته بودیم.

رضا مردم دار بود و هر ماه خانه یکی از دوستان همکارش شام دوره داشتیم. بعد از یکی دو ماه دعوت آنها هم یکی در میان شد و رفتارهایشان تغییر کرد حتی عید نو رضا یا نیامدند و یا اگر آمدند یک ربع نشستند و رفتند.

بعد از فوت همسر من شدم خطرناک. زنی جوان که ممکن است شوهر دوستان و حتی خواهرش را بدزدد و آنها را خانه خراب کند.

## ذره بین جامعه و زنان بیوه

مکانیسم اعمال خشونت خانگی ظریف و پیچیده است. تاثیرات آن هم با همه تحقیقات موجود گاهی وسیع تر از آن چیزی است که انتظار می رود تا جایی که بعضی قربانیان بعد از دوری از محیطی که خشونت اعمال می شده تا مرحله انتقام از خود با عکس العمل های متفاوت پیش می روند.

افرادی هم که خشونت را اعمال می کنند لزوماً افرادی نیستند که دشمن قربانی باشند و گاهی دوست داشتن های مرضی و وابستگی های غیر عادی و حتی ترس از دست دادن موقعیت یا منفعت موجب اعمال خشونت علیه یکی از اعضا خانواده می شود.

با مهتاب صحبت می کنم. زنی 55 ساله که 4 فرزند دارد و شوهرش استاد دانشگاه است. مهتاب را اتفاقی پیدا کردم. وقتی در یک مهمانی به شوهرش چشم غره می رفت و او را از صحبت با هما، زن میانه سالی که چند سالی از طلاقش می گذشت دور می کرد.

از مهتاب می پرسم به شوهرت بیشتر بی اعتمادی یا مثلاً به هما و او از سوال من با وجود اینکه موضوع گفت و گو را پذیرفته جا می

خورد.

نگاه می کند و می گوید اگر بخوام با خودم رو راست باشم از شوهرم. من به او اعتماد ندارم. بارها و بارها به من خیانت کرده است. حتی وقتی باردار بودم. یک بار عروسی کارمند جوانش رفتم که بعدها فهمیدم با او رابطه داشته است.

مهتاب با عبارت خشونت بعد از طلاق و یا خشونت علیه زنان بیوه آشنا نیست ولی وقتی از او می پرسم که اگر جای هما بود و با چنین رفتاری روبرو می شد چه احساسی داشت سکوت می کند.

او هم فکر می کند نگاه جامعه نسبت به زنی که طلاق گرفته و یا شوهرش فوت کرده توأم با خشونت است و این زنان همیشه زیر ذره بینی قرار دارند که آنها را آزار می دهد.

پنیک و حملات عصبی در تعدادی از قربانیان قابل مشاهده است. بیمارانی که می گوید: دکتر والی پور درباره بعضی عوارض خشونت شامل لرزش، تنگی نفس، تپش قلب، درد با در پاسخ به ترس های شدید دچار اختلال در فعالیت های بدن می شوند. نشانه هایی که سینه، تعریق، تهوع، سرگیجه، احساس سبکی در سر و احساس خفگی است. در هنگام حمله پنیک مقادیر زیادی آدرنالین در خون ترشح می شود. بسیاری از افراد که برای اولین بار دچار این حملات می شوند، فکر می کنند که دچار حمله قلبی شده اند، در حال از دست دادن عقل خود هستند و یا دارند می میرند.

بسیاری می گویند این حملات دلهره آورترین وقایع زندگی آنها بوده است. اگر این حملات به صورت مکرر و غیر منتظره اتفاق بیافتد به عنوان بیماری پنیک تلقی خواهد شد، ولی حملات پنیک در جریان دیگر بیماری های اضطرابی نیز اتفاق می افتد.

رویا زن جوانی است که در مواجهه با خشونت خانگی دچار پنیک های عصبی شدید می شد با اینکه دندانپزشک و از نظر مالی مستقل بود کاملاً در کنترل و حتی خشونت جسمی شوهرش قرار داشت. رویا با پسر دایی اش که دکتر زنان بود در یک مطب مشترک کار می کرد. وقتی به زحمت طلاق گرفت فکر نمی کرد که همسر پسر دایی با داد و فریاد در عرض یک ماه مطب دیگری برای شوهرش اجاره کند و در وتخته مشترک را بکند و ببرد.

رویا می گوید من از طلاقم پشیمانم نیستم ولی برخورد دوستان و آشنایان بعد از جدایی من را متعجب کرد. من زیر نگاه زنانی بودم که وقتی با شوهرانشان سلام و علیک می کردم چشم غره می رفتند و البته مردان هم زیر چشمنی من را می پاییدند و گاه و بی گاه محک می زدند. حتی یکی از همکاران مرد پس از برخورد نامناسب همسرش زنگ زد و عذر خواهی کرد. به هر حال من اجازه ندادم رفتار اطرافیان من را از میدان به در کند هر چند که هم دل گیر می شوم و هم می رنجم اما برای تغییر چنین رفتاری نباید منزوی شد.

ف روانپزشک معتقد است زنانی که در معرض خشونت پس از طلاق قرار می گیرند به دلیل قطع ارتباط های عاطفی با اطرافیان - فرید دچار واکنش های چون رنجش شدید، آزدگی و انزوایی و افسردگی و حتی احساس گناه می شوند. ما از سوی این زنان با مواردی از وسواس شدید نسبت به ظاهر و پوشششان روبرو هستیم که فکر می کنند رفتار و لباس و برخورد و خنده شان است که موجب چنین عکس العمل های از سوی جامعه می شود و مرتب خود را قضاوت می کنند.

اجتماعی روبرو هستیم که از هنجارهای اجتماعی ناشی می شود. هنجارهای ناشی از نقش - ما نسبت به زنان بیوه با یک پدیده فرهنگی های جنسیتی و نگاه های تبعیض آمیز خشن جنسیتی که جامعه علیه جامعه بکار می گیرد که از عوامل زیستی در ایران ریشه می گیرد.

خشونت پس از طلاق یا مرگ همسر زنان را آسیب پذیر و در شرایطی درمانده می کند به طوری که بدون مطالعه و زیر فشار خانواده به ازدواج مجدد نسنجیده رو می آورند. گاهی هم این زنان پس از گذر از اندوه فراوان دچار غضب و عصبیت و عصیان می شوند و رفتارهایی را انجام می دهند که با گذشته و حتی شخصیت آنها هم خوان نیست.

اجتماعی ما در چنین مواردی از اعمال خشونت موثر است. چگونگی رشد است - این دکتر روانپزشک معتقد است چگونگی رشد روانی که هویت های جنسی و عکس العمل های ناشی از آن را شکل می دهد و منتهی به پذیرش الگوهای جنسیتی می شود.

به باور متخصصان این رشته نوع اجتماعی شدن نگاه ما به خود و خانواده و روابط درونی آن را شکل می دهد و واکنش های انسانی را کنترل می کند.

من با خانمی روبرو بودم که پس از طلاق خاله اش دچار این وسواس فکری نسبت به او شده بود که او با شوهرش رابطه دارد در حالی که بعدها معلوم شد مرد با زن دیگری در رابطه بوده است. این زن هر بار خاله خود را در جایی می دید دچار ضعف و سرگیجه و تهوع همراه با لرزش اندام و احساس حقارت شدید می شد.

کابوس های شبانه می دید و آرامش خود را از دست می داد. رفتارهای او هم خودش را آزار می داد و قطعا در خاله او نیز تاثیرات بالینی

مختلف بر جا می گذاشت.

بدیهی است زنان بیوه در کوتاه مدت و دراز مدت در برخورد با خانواده و اطرافیان با عوارضی چون بدبینی و بی حسی عاطفی و حتی دشمنی و گوشه گیری روبرو می شوند. احساس آزادی نمی کنند و روابطشان با اطرافیان محدود می شود.

خشونت پس از طلاق یا مرگ شوهر از جمله خشونت هایی است که از سوی خانواده به زن اعمال می شود و آنچنان که باید هم مورد بررسی و تحلیل قرار نگرفته است. خشونتی که منزلت و اعتماد به نفس و حتی عزت نفس زنان را نشانه گرفته و واکنش های آنها را شکل می دهد.

## زنان بیوه و مطلقه و ارزش گذاری های اجتماعی



Mamzel\*D عکس:

### روزنامه نگار - نوشین پیروز

در قسمت اول، به نمونه هایی از مشکلات مالی زنان بیوه یا مطلقه و معضل پیدا کردن کار و شغل مناسب، همچنین به موضع دخالت و نقش دیگران در زندگی آنها پرداختیم. در قسمت دوم به مشکل زنان بیوه یا مطلقه با قضاوت های نادرست و برجسب هایی که باعث و در این قسمت، و آخرین بخش به نمونه های دیگری از مشکل زنان بیوه و مطلقه در جامعه سخت تر شدن زندگی برای آنها می شود اشاره می کنیم.

بعضی از مشکلاتی که از قضاوت و ارزش گذاری جامعه نسبت به آنها ناشی می شود.

### بیوه ها راحت صیغه می شوند

خندد. گوید و می این را می «اند.ها همیشه رو بورس بیوه»

هارود، مزیت بیوه ها می کند. در پاسخ به این سوال که چرا سراغ بیوه بیست و نه ساله و مجرد است و در یک بوتیک لباس کار می «امیر» نسبت به مجرد و یا مطلقه ها چیست؟ می گوید:

ها ارثی رسیده یا پول و پله ای دارند و دنبال پول آدم نیستند. ازها هستند. مشکل بکارت ندارند. اغلب به آنها بهترین دوست دختر بیوه» ترس اینکه برایشان حرف دریاورند، خودشان بسیار با احتیاط هستند و برای من که یک خانواده مذهبی دارم، این واقعا حسن است. لازم نیست دائم تذکر بدهم که نباید کسی از رابطه ما با خبر شود. آنها مشکل طلاق گرفته ها که می خواهند انتقام شوهر قبل را از آدم بگیرند، و



یا تلافی شوهر سابق را درآوردند، را هم ندارند. مثل تن فروش‌ها هم نیستند. بیوه‌ها راحت صیغه می‌شوند و اگر اهل صیغه نباشند هم اغلب «تر بود. توان مطمئن با چند نفر هم زمان نیستند. روی اینکه تنها با من باشد، می‌

گوید: های ثروتمند است. او می‌هم فقط به دنبال بیوه "افشین"

تر بوده و هنوز هم در دسر و آرام‌ام بی‌تر و رابطه‌ها، با من همیشه مهربان‌زن‌های بزرگ‌تر از من، به خصوص بیوه! من جا نماز آب نمی‌کشم» هست. برای آدم خرج می‌کنند، اغلب خانه و ماشین دارند و دنبال پول من نیستند. اگر مرا می‌خواهد به خاطر خودم می‌خواهد. برای اینکه با او رابطه جنسی برقرار کنم مجبور نیستم به او درحالی که خودش هم به اندازه من تمایل دارد، التماس کنم. او می‌داند من برای چه رفته‌ام و من هم می‌دانم او برای چه مرا می‌خواهد. آدا و اطوار و ناز و عشوه و توقع‌های دخترها را ندارند. زنی که درحال حاضر با او هستم، از اینکه من با او باشم، خوشحال است و رابطه جنسی خوبی داریم. من او را خوشحال و راضی می‌کنم، او هم به من آرامش می‌دهد، چرا که «نه»

اما این پنهانی بودن رابطه، به خصوص برای زنان که شاید تنها به دلیل تنهایی و نیاز و کشش جنسی شروع شده، از ترس مشکلاتی که در بین دوستان و خانواده برای آن‌ها پیش می‌آید، تبدیل به نقطه ضعف و آسیب‌پذیری آن‌ها برای اینکه مورد سوء استفاده‌های مالی و جنسی قرار بگیرند، می‌شود.

آنها درست به خاطر پنهانی بودن رابطه و ترس، خود را مجبور به سکوت کرده، وقتی مورد تعدی و یا سوء استفاده قرار می‌گیرند، مشکل را می‌کنند. گاهی بار غم و غصه تازه را هم به کوه مشکلات قبلی خود فرو خورده، ذهن را بسته نگه داشته، درد و رنج و ظلم را تحمل اضافه کرده، و تنها به دوش می‌کشند.

### چند ماه اول جهنم بود

اما گروه دیگر به امید داشتن زندگی بهتر، به دنبال زندگی جدید هستند. آنها می‌خواهند گذشته را در پشت سر باقی بگذارند و زندگی!! این یعنی اعلام جنگ به اجتماع جدید را از نو شروع کنند.

باشند، برجسب و اُنگ خواهند خورد...ها اگر خوش قیافه، خوش لباس، با اعتماد به نفس، باهوش، خوش برخورد، پر کار و پر انرژی و آن که فاسد هستند. این گروه همواره باید اثبات کنند که:

است و ناز و عشوه نیست. " نه " گویند، منظورشان واقعا که می " نه " شوهر دزد نیستند،

آنها باید ثابت کنند که در درجه اول انسان هستند و درجه دوم یک زن.

حاضر به هر کار و قبول هر «یک سایه بر سر» باید ثابت کنند که از درد نداشتن رابطه جنسی در رنج و عذاب نیستند، به خاطر داشتن خفت و خواری نیستند. باید ثابت کنند که محتاج مرد دیگری نیستند.

آن‌ها باید ثابت کنند عقده ندارند، حسود نیستند، برای کسی بد اقبال، چشم شور نبوده و بدشانسی نمی‌آورند.

یازده سال است که طلاق گرفته؛ اودرباره چگونگی زندگی اش به عنوان یک زن مطلقه می‌گوید: "مریم"

طول کشید تا کار مناسب پیدا کنم و بتوانم به خانواده ام بفهمانم که به کمک آنها، در کنار داشتن و حفظ استقلال و آزادی خودم نیازمندم. خیلی از دوستان مشترک من و شوهر سابقم، مجبور شدند بین ما یکی را انتخاب کنند؛ و این یعنی من دوستان و آشنایان زیادی را علاوه بر شوهرم از دست دادم.

مشکلات فراوانی با همسایه‌ها برای این که یک زن مجرد بودم داشتم. خودم آنقدر شکاک و بدبین شده بودم که دلم نمی‌خواست هیچ رابطه تازه‌ای را شروع کنم. اگر مردی واقعا قصد محبت یا کمک داشت هم قبول نمی‌کردم. می‌خواستم ثابت کنم می‌توانم مثل یک مرد زندگی کنم. می‌خواستم به خودم ثابت کنم که از پس همه چیز یک تنه برمی‌آیم و به هیچ کسی احتیاج ندارم.

کم کم با کمک خانواده، مراجعه به مشاور و از همه مهم‌تر، با گذشت زمان، یاد گرفتم چطور در این شهر باید به عنوان یک زن تنها زندگی کرد. به کدام حرف و متلک باید بی‌توجه بود، و برعکس کجا باید بایستم و حرف بزنم و از حق و حقوق خودم دفاع کنم. چطور و از چه کسانی کمک بخواهم و چه موقع بدون کمک، راهی پیدا کنم. اینکه چطور به خواسته‌های اشتباه و توقعات اشتباه، نامعقول و بگویم. « نه » « زیادی دیگران، چه مرد و چه زن،

شاید زندگی من بسیار راحت‌تر می‌گذشت، از وقتی دختر کوچکی بودم، پدر و مادرم، به من یاد می‌دادند که باید به موقع

**! « نه » دهانم را باز کنم و بگویم:**

چقدر عذاب و دردسر و بدبختی برایم به بار آورد، « نه » تا شرایطی مشابه زندگی من را تجربه نکرده باشید، نمی دانید که نگفتن به موقع ساده چطور مرا نجات داد و یا کمک کرد تا از حق خودم نگذریم. « نه » و گفتن به موقع یک

امروز مجردم و در ایران زندگی می کنم. یک دختر نوجوان مودب و خوب و مستقل دارم. شغلی که خرج زندگی خودم و فرزندم را تامین می کند. چند دوست و چند نفر فامیل و خانه ای که در آن آرام با دخترم، زندگی می کنم. خیلی چیزهای معمولی و کلیشه ای را در زندگی نداشته و یا ندارم، درست است که شوهر ندارم یا شاید زندگی زناشویی خوب را فرصت نکردم تا تجربه کنم، اما با همه کمبودهایم، خودم «را خوشبخت می دانم. احساس آرامش می کنم.

در پایان، مشکلات و گفته ها و ناگفته های مربوط به زندگی زنان بیوه یا مطلقه در جامعه تمامی ندارد.

یکی از قدم های اصلی برای کمک به بهبود اوضاع جامعه، دانستن و فهم شرایط زندگی زنان، بدون مردان است .

**حدود ۱۰ میلیون** دریک برنامه اجتماعی رادیویی از یک خانم نماینده مجلس پرسیده می شود که پیشنهاد و راه حل شما برای جمعیت چیست؟ ایشان پیشنهاد می دهد: **نفری زنان بیوه و مطلقه و مجرد بالای ۳۵ سال**

(۱) «شاید یک راه حل خوب این باشد که زنان ایرانی مجرد بروند خارج یا از کشورهای دیگر مردان مجرد به ایران بیایند. »

وجود دارد . ” قطعاً ” صادرات زن و مرد راه حل های دیگری هم - البته که بجای واردات

هریک نفر ما بدون ارزش گذاری، بدون پیش داوری و پیش قضاوت به زندگی این گروه از زنان نگاه کنیم. از خودمان بپرسیم، ما کجای داریم یا می توانیم داشته باشیم؟ ... این مشکلات ایستاده ایم؟ ما چه نقشی در زندگی آنها به عنوان کارفرما، مادر، همسایه، دوست و

منابع:

« واردات مردان مجرد از خارج» - یکشنبه ۵۲ خرداد ۳۹۳۱ - جامعه خبری تحلیلی الف - (۱)

<http://alef.ir/vdcjtye8ouqetmz.fsfu.html?230638>

https://www.sabteahval.ir/default.aspx?tabid=4760 - آمار طلاق - (۲) سازمان ثبت احوال کشور

http://www.behzisti.ir - (۳) سازمان بهزیستی

---

**از زندگی زنان مطلقه یا بیوه چه می دانیم؟**



عکس: [DG EMPL](#)

## پیش قضاوت ، برچسب زدن - قسمت دوم

### روزنامه نگار - نوشین پیروز

و یا هیچ زن یا کند "عوض" هیچ انسانی نمی تواند بجز خودش ، دیگری را افراد می توانند یکدیگر را تحت تاثیر قرار دهند اما مردی نمی تواند به تنهایی باعث بوجود آمدن یک خانواده سالم باشد.

در این قسمت، به نمونه های دیگری از مشکلات و به پیش داوری ها، برچسب ها و قضاوت های نادرستی که درباره زنان بیوه و مطلقه در جامعه وجود دارد نگاه می کنیم.

متأسفانه زنان بیوه ویا مطلقه اغلب دچار آزار و اذیت هایی می شوند که در نتیجه باورهای غلط و یا اطلاعات محدود و ناقص اطرافیان و یا افراد جامعه است. صرف نظر از آنچه که در درون این زنان می گذرد، آنان در بسیاری از موارد با نگاه ها، اشاره ها، نیش و کنایه، توهین و تحقیر و یا حرف های ناراحت کننده روبرو هستند. برخوردهایی که زندگی را برای این گروه از زنان سخت تر و سیاه تر می کند.

با وجود اینکه طلاق پایان دادن به یک رابطه دوطرفه میان زن و مرد است، هنوز هم عده ای در نهایت زن را مقصر اصلی دانسته و اعتقاد دارند، همانطور که زن خوب باید خانه دار باشد و یا بتواند مادر خوبی شود، باید بتواند در هر شرایطی از طلاق جلوگیری کرده، با شوهر و زندگی بسازد. تفکری بسیار خطرناک و غلط که اجرای آن به جز بروز انواع خشونت های خانگی حاصل دیگری نداشته و ندارد.

در سال ۱۳۹۲: "فقط" مطابق آمار سازمان ثبت احوال کشور

( ۱۵۵۳۶۹ طلاق ثبت شده ) در مقابل هر پنج ازدواج ثبت شده، یک طلاق وجود داشت.

فرصت «مدیرکل آمار و اطلاعات سازمان ثبت احوال کشور درباره ازدواج و طلاق های ثبت شده در کشور می گوید: " علی اکبر محزون" ازدواج مردان بالای ۶۰ سال هفت برابر زنان بوده و میانگین سن ازدواج در تهران ( شش ماه اول سال جاری) دختران ۲۵ سال و مردان ( ۲) «۲۹ سال بوده و همچنین براساس آمار نیمی از طلاق ها مربوط به پنج سال اول زندگی افراد است.

به این جمعیت (اکثراً جوان) زنان، اگر تعداد زنان بیوه و یا زنانی که از شوهر خود جدا شده اما هنوز طلاقشان رسماً ثبت نشده راهم اضافه کنیم، با جمعیت بزرگی روبرو هستیم که نیروی کار و فعالیت و حق زندگی داشته، در بین ما ویا کنار ما زندگی می کنند اما عده ای از زنان و مردان، از آنها دوری کرده و وجود آنها را در اجتماع دردسرساز می دانند.

### دوباره مجرد شده، دردسرساز و خطرناک هستند. «زنان»

بعد از جدایی یا مرگ همسر، مرد یا مجرد باقی می ماند یا اگر وارد رابطه ای با زنان شود، انگار به نوعی پذیرفته شده و موجه به نظر نمی شود، اما "خراب" ای با جنس مخالف خود برقرار کند. مردشود که رابطه رسد، اما برای زن با شرایط مشابه، به ندرت پذیرفته می می

می شود. لابد علت این خرابی همان تفاوت فیزیکی زن و مرد، و یا بافت ماهیچه و قطر استخوان هاست که یکی به سرعت "خراب" زن !! دیگری بندرت خراب می شود و

ریشه بسیاری از خشونت‌هایی که در حق زنان بیوه یا مطلقه اعمال می‌شود، در این اعتقاد نهفته است که گروهی این زنان را به شکل ویروسی خطرناک می‌بینند که هر جا وارد شوند با خود دردسر و مشکل به همراه می‌آورند. چرا که آنها یا خودشان به هر دلیل موجه یا غیر موجهی به سراغ مردان می‌روند، یا برعکس، مردها به دلایل مختلف به سراغ آن‌ها خواهند رفت و این یعنی شروع دردسر و خراب شدن.

مطلقه یا بیوه بودن یک زن، برای گروهی دلیل کافی و مسلم بر خراب بودن زن، یا باعث خراب شدن زندگی مرد دیگری است.

گوید: مدت هفت سال است که از شوهرش جدا شده و طلاق گرفته است. اودرباره مشکلات زندگی یک زن بیوه در ایران می "مژگان"

بعد از روبرو شدن با صحنه خیانت و هم خوابگی شوهرم با زن دیگری، درخواست طلاق کردم که بدون هیچ مخالفتی و با توافق کامل» شوهر سابقم انجام شد. روزی که مهر طلاق پای درخواستم زده شد، به دیدن معشوقه شوهرم رفتم که زمانی دوست من بود.

«دادم و بالاخره زهرت را ریختی و نیش را زدی. وقتی تورا به خانه ام راه دادم، تو ماری بودی که توی آستین خودم پرورش» به او گفتم:

بعد از طلاق، سعی کردم به زندگی خودم روندی عادی بدهم و قبول کنم که بعد از این به عنوان یک فرد مجرد زندگی خواهم کرد. باقی خواهم "مطلقه" نخواهم شد و تا آخر عمر با مارک یک زن "مجرد" درست شش ماه بعد از طلاق بود که فهمیدم من دیگر هرگز مانند مجردها زیر پوشش دم بخت بودن، راحت‌تر در جامعه و خانواده‌ها قبول می‌شوند. همه سعی می‌کنند، برای جلوگیری از دردسرهای آنها را راحت در خانه - درست مثل خودم - ها زوجی مناسب پیدا کنند. مردم‌تر دستشان را بند کرده، و برای آن‌احتمالی، به اصطلاح، زود می‌پذیرند و دعوت می‌کنند. اما زن بی‌شوهر، یعنی زنی که هیچ مشکلی در برقراری رابطه جنسی ندارد. قبلا شوهر داشته، و به هر دلیلی در حال حاضر بی شوهر شده، کمبود دارد یا بدبخت شده، عقده هم «شودعیب و ایرادی در یک جای کار محسوب می» که خود یک دارد.

یا برهم زننده زندگی خود می‌بینند. تقریباً همه مراقب هستند، جایی که مردی حضور دارد، "دزد مرد" مردم زنانی مثل من را، به شکل امثال من حضور نداشته باشند، و این بسیار آزاردهنده و سخت است.

طلاق گرفتن من نه تنها از طرف اطرافیان و دوستانم حمایت نشد، بلکه بدتر، به نوعی مرا طرد کرده‌اند و بنا به تجربه شخصی خودم، به «دم. آنها با مجردها معاشرت می‌کنند اما با طلاق گرفته‌ها نه.ها حق می‌آن

### «از هفت دولت آزاد»

خود سواستفاده کرده و از شوهر، پدر، "آزادی" است، از این باصطلاح «از هفت دولت آزاد» بیوه، که / بعضی عقیده دارند، زن مطلقه برادر و پسر دیگر زنان استفاده مالی، جنسی و عاطفی ببرد.

و انحصار دارد. "مالکیت" هویت خود را به عنوان یک انسان از دست می‌دهد، و مثل یک جسم و کالا "مرد" در اینجا دیگران هم استفاده و نفع ببرد. "مردان" دیگران استفاده کند، نباید زنی، از "اموال" همانطور که کسی نباید بی اجازه از «!این مرد صاحب دارد» شعار آنها این است:

دانند، و مراقب خود می "امر به معروف و نهی از منکر" دهند، خودشان را مامور مسئول اغلب کسانی که به دیگران چنین نسبتی می این زنان دستورهم می دهند و یا توصیه می کنند که چگونه باید با احتیاط باشند. به همه اطرافیان و دوستان هستند و به همه امر و نهی می کنند که رفتار آنها چطور باید باشد، چگونه لباس بپوشد یا در کدام مجلس اصلاً حضور نداشته باشد.

، پس آنها موظف هستند، از مردان در برابر چنین زنانی که بیشتر از ظاهرشان، آزادی آنها" مردان قربانی خواهند شد" ها عقیده دارند، آن، اغواگر است، محافظت کنند.

زن مطلقه یا بیوه، تقریباً هیچ شانس در برابر نگاه بدبین و شکاک این گروه ندارد. هر قدم، لبخند، نگاه را ممکن است آنها از صافی و منطق خود عبور دهند و آن را طوری تعبیر و تفسیر کنند که قصد، سواستفاده است.

### «!شوهر رفت؟ پس من هم از دنیا می‌روم»

بعضی از زنان بیوه و یا مطلقه، از طرف خانواده و اطرافیان طرد می‌شوند، یا هنوز از مشکل قبلی خلاصی پیدا نکرده، می‌خواهند آن‌ها را به زور وارد رابطه جدیدی کنند. با ترحم‌های نابجا اعصابشان را چنان بهم می‌ریزند، که خودشان زودتر دست به کار شده، خود را با خاطرات

بد و خوب زندگی مشترک گذشته، زنده به گور می‌کنند.

آنها از ترس پیش قضاوت، برچسب و انگ‌های اجتماع، تهمت‌ها، نگاه‌های پر معنی زنان و مردان، تحقیر و تهدید، خودشان را در خانه حبس می‌کنند. نه جایی می‌روند، نه با کسی معاشرت دارند. بعضی از آنها به یک آیین و یا مذهب، به شکل بیمارگونه وابسته می‌شوند، یا به مواد مخدر یا الکل معتاد می‌شوند.

گوید: ای از آنهاست. او درباره تصمیم اش بعد از مرگ شوهرش می‌نمونه " رویا"

تو برو رو» فرستادند و دلیشان هم این بود که بعد از مرگ شوهرم در تصادف رانندگی، هنوز به یک سال نرسیده برایم خواستگار می‌«تر سروسامان بگیری. داری و جوانی، بهتره زود

گفتم: نمی‌خواهم، نمی‌توانم. خانواده‌ام قبول کردند.

اما پدر و برادرم تقریباً نمی‌گذاشتند من حتی برای باز کردن در به حیاط بروم. انگار من قاتل شوهرم بودم که خانواده‌ام باید مرا مخفی کنند.

گفتم: جدا زندگی کنم.

گفتند: فراموش کن. فقط زن خراب و تن فروش در این شهر تنها زندگی می‌کند.

گفتم: سر کار بروم.

! قدمت سرچشم. ایم؟ مگه به پول نیازداری؟ یا شوهر کن، یا همین جا تو خونه بمون گفتند: چرا؟ مگه ما مرده

بعد از یک سال، دلم می‌خواست از خانه، از این چهاردیواری پا بیرون بگذارم. اما کجا؟ تنها جایی که برای رفتن جلف و سبک نبود جلسه قرآن بود. می‌توانستم در روضه‌ها با خیال راحت گریه کنم، سبک‌تر شوم و به خانه برگردم. خیال همه هم در از اینکه با آبرویشان بازی نمی‌شود، راحت بود. روزهاست که من کاری ندارم به جز جلسه قرآن و روضه و ختم انعام رفتن. دیدم اینطوری هم خودم آرامش «ام. دارم، هم خانواده

### «شکارچی مرد»

کرده و از وضعیت خود به عنوان یک " سوءاستفاده" اما نه فقط در ایران، بلکه در سراسر دنیا، زنانی هستند که از بیوه ویا مطلقه بودن خود ابرار برای پیشبرد اهدافشان استفاده می‌کنند. دخترانی که با نقشه قبلی ازدواج می‌کنند که طلاق بگیرند، قبلاً فکر همه چیز را کرده‌اند.

### بسیاری از دختران به خاطر هرچیزی، به جز تشکیل زندگی و خانواده، ازدواج می‌کنند.

دلیل آنها برای ازدواج می‌تواند: فرار از شرایط زندگی در خانه والدین، فرار از شهر و یا کشور محل سکونت، به امید آزادی و استقلال بیشتر، به دنبال ثروت و شهرت و یا عنوان باشد.

«گیرم. خوب بود که چه بهتر، بد بود، طلاق می‌» ها برای انتخاب این راه و روش زندگی این است که منطق آن

متأسفانه این گروه بعد از طلاق، در ادامه نقشه از پیش ترسیم شده برای زندگی خودشان، بعد از شوهر یا قربانی اول، بسیار حرفه‌ای‌تر و هستند. اغلب ... های جنسی متنوع، حامی مالی وها دنبال، رابطه‌های بعدی هستند. آن‌تر از قبل در جامعه به دنبال صید و یا قربانی مجهز زیبا و خوش لباس و خوش برخورد و جذاب هستند و بسیار حرفه‌ای عمل کرده، شکار جدید خود را با مهارت به دام می‌اندازند.

این گروه که باعث آسیب و آزار و صدمات بسیار زیادی می‌شوند، اغلب خودشان، قربانی انواع خشونت‌های خانگی و یا اجتماعی شده‌اند و به دنبال تلافی و انتقام بیمارگونه‌ای از هرآنچه نداشته‌اند و یا از آنها دریغ شده از دیگران هستند.

قربانی اینجا مردانی هستند که به دام افتاده، در آخر در این رابطه اشتباه، پول و عشق و محبت گاهی آبرو و خانواده و یا موقعیت شغلی خود را به خطر انداخته یا از دست می‌دهند. این مردان برای ساکت نگه داشتن این زنان، مجبور هستند عملاً انواع مختلف حق السکوت را به خانم حقه باز بدهند.

وقتی به عنوان منشی جدید شرکت آمد، چهره اش آنقدر مظلوم و بی‌پناه به نظر می‌رسید که اگر دوباره زمان به عقب «می‌گوید: "محمد" برگردد، احتمال می‌دهم بازم گول خورده، همان اشتباه را تکرار می‌کردم.

گفت که شوهرش به او خیانت کرده، تازه طلاق گرفته و به کار نیاز دارد. با وجود بی تجربه بودنش و داشتن انتخاب های بهتر، متأسفانه کار را به او دادم. او انسان نبود، جادوگر بود. ماه اول آنقدر با محبت، خوش برخورد، مهربان و مشتاق کار بود که روز به روز از او بیشتر خوشم آمد. تا بالاخره وقتی دیدم هر مردی که او را می بیند جذب او شده، و از من به عنوان کارفرما از وضعیت تاهل او می پرسد، به او پیشنهاد معاشرت به قصد آشنایی بیشتر و ازدواج دادم.

رضایت داد و قبول کرد ازدواج کنیم. او از زندگی قبل خود یک " بالاخره " با فیلم و اطوار و اجرای چه نمایشی، مثلاً به زور و اصرار من آپارتمان، با وسایل و ماشین داشت. با عنوان آنکه آنها یادگار گذشته هستند و نمی خواهد آنها را ببیند، در دوران به اصطلاح نامزدی تا عروسی، با پول من، به اسم ایشان همه را تعویض و همه چیز را نو کردیم. خانه و وسایلی که من فقط سه ماه در مجموع از آنها استفاده و در آن خانه زندگی کردم.

درست نمی دانم از کی نقاب از چهره بیمار خود برداشت. فکر می کردم، برویم خانه خودمان همه چیز درست می شود. فکر می کردم، به خاطر تجربه قبلی بدی که داشته ترسیده و بهانه می گیرد، فکر می کردم بهتر می شود، درست می شود، اما زندگی را چنان به کام من زهر کرد و کاری با آبرو حیثیت من و خانواده ام کرد که در پایان ماه سوم زندگی مشترک از او جدا شده و تقاضای طلاق کردم.

بزرگترین اشتباهم این بود که به علت جدایی از شوهر اولش حتی شک هم نکردم. اما بعد از طلاق، وقتی از طریق دوستی فهمیدم سراغ مرد جوان با موقعیت مالی خوبی رفته و عین داستان آشنایی خودمان را برای او نمایش بازی کرده، سراغ آن مرد رفتم و همه چیز را برایش گفتم.

طبیعی است که ایشان حرف مرا باور نکرد. اما من پیش وجدان خودم آسوده بودم که سکوت نکردم و هشدار داده ام. از طریق همان دوست با خبر شدم، ظاهراً مرد جوان وقتی جریان ملاقات مرا برای زن سابقم تعریف کرده، چند هفته بعد، از آن شرکت استعفا داده و رفته «! خدا نصیبتان نکند. فکر کنم، برای بزرگ کردن خانه اش دنبال شکار تازه ای باشد. است

## پایان قسمت دوم

منابع:

ازدواج و طلاق های ثبت شده و نسبت ازدواج به طلاق سال ۱۳۹۲ - ( ۱ ) سازمان ثبت احوال

<https://www.sabteahval.ir/default.aspx?tabid=4821>

«فرصت ازدواج مردان بالای ۰۶ سال هفت برابر زنان است» - 1393/07/30 - ( ۲ ) خبرگزاری جمهوری اسلامی

<http://www.irna.ir/fa/News/81358817>

---

# از زندگی زنان مطلقه یا بیوه چه می دانیم؟



## “ کار ” مشکلی بنام - قسمت اول

### روزنامه نگار \_ نوشین پیروز

درسال های اخیر، فعالیت های زیادی در ایران، برای دفاع از حقوق زنان بی سرپرست، سرپرست خانواده، زنان بیوه و دست یابی به حقوق اجتماعی این گروه از زنان انجام شده است که با توجه به کمبودها و سختی های موجود در ایران، هنوز جای فعالیت بسیاری باقی است.

قوانین خوب مربوط به امور زنان فراوان هستند، اما در بطن جامعه هنوز بی قانونی موج می زند. در مواردی که قانون وجود دارد، مانند اصل بیست و یکم قانون اساسی (۱) که درباره امور مربوط به زنان و کودکان بی سرپرست وضع شده نیز ضمانت اجرایی کافی برای قانون وجود ندارد یا بسیاری از زنان از حقوق خود مطلع نیستند. آنها حتی به سازمان بهزیستی یا کمیته امداد امام خمینی برای دریافت کمک های احتمالی مراجعه نمی کنند.

از طرفی قوانین نانوشته ای با ریشه های فرهنگی، سنتی، مذهبی در ایران وجود دارند، که برعکس، در هیچ جا به صورت تبصره و پاراگراف نوشته نشده، اما اجرا می شوند.

هم زمان با بالا رفتن آمار طلاق و پایین آمدن سن طلاق در میان زنان از یک طرف و با گرانی و بالا رفتن هزینه تامین زندگی و مشکلات بیکاری از طرف دیگر؛ هر روز شاهد بالا رفتن آمار تن فروشی، اعتیاد، کارتن خوابی، بخصوص در بین این گروه خاص از زنان هستیم. در ایران آمار دقیقی در مورد میزان اعتیاد و یا تن فروشی و یا تعداد زنان کارتن خواب به ویژه آمار کسانی که بعد از جدایی به این تعداد اضافه شده اند وجود ندارد. تنها آمارهایی محدود، درباره وضعیت زنان سرپرست خانوار وجود دارد که به اوضاع بد شرایط زندگی این زنان وجود دارد.

معاون رئیس جمهور در امور زنان درباره زنان سرپرست خانوار می گوید: “شهیندخت مولاوردی”

طبق آمار سرشماری سال ۰۹، ۱.۱۲ درصد زنان شاغل، سرپرست خانوار هستند که از این میزان ۸۲ درصد بیکارند که می تواند «(۲)» تبعات و آسیب های اجتماعی به دنبال داشته باشد.

معاون حقوقی و امور مجلس کمیته امداد امام هم درباره افزایش تعداد زنان سرپرست خانوار در ایران هشدار “منصور قمشه ای” همچنین داده می گوید:

ها، تعداد زنان بینی ۲۱ درصد رسید و براساس پیش/۶ درصد زنان سرپرست خانوار بودند. این آمار در سال ۱۹ به ۵/۵ در سال ۵۸، ۵ «(رسد. سرپرست خانوار در سال ۵۹ به ۵۱ درصد می

همچنین براساس این گزارش در سال ۵۷۳۱ به ازای هر سرپرست مرد ۹ سرپرست زن وجود داشت که این نسبت در سال ۰۹ به ازای هر سرپرست مرد به ۴۱ نفر سرپرست زن رسیده است. (۳)

از میان زنانی که خواسته یا ناخواسته سرپرست خانوار شده اند، بسیاری از آنان بیوه یا مطلقه هستند.

این گروه از زنان در جامعه و در برابر قانون به عنوان انسان بزرگسال و بالغ مسئول اعمال خود محسوب می شوند. بسیاری از آنها هنوز دوره جوانی را طی نکرده و یا فرزند دارند. زندگی زنان مطلقه و یا بیوه بعد از جدایی ناگهانی تغییر می کند. به خصوص برای قشری از زنان که تا این تاریخ شغل مناسب، تحصیل یا سواد و تخصص کافی نداشته اما باید هرچه سریع تر برای به دست گرفتن اوضاع و ادامه زندگی، کار و شغلی پیدا کنند، یک مشکل بزرگ است.

های اجتماعی کمیته امداد امام درباره کمک به زنان سرپرست خانوار می گوید: مدیرکل امور حمایت "رضا نوروزی جعفری"

نزدیک به یک میلیون زن سرپرست خانوار تحت پوشش داریم که ۱۷ درصد آنها در سنین زیر ۴۰ سالگی قرار دارند. برنامه اصلی کمیته « امداد امام خمینی برای این گروه از زنان بویژه اگر سنشان پایین تر باشد و فرزندی نداشته باشند، این است که با برنامه های مختلف (۴) « ایم. های تشویقی آنها را به چرخه طبیعی زندگی بازگرداند که تا کنون توفیقاتی نیز در این زمینه کسب کرده ای و بسته مشاوره

اما آیا واقعاً زن بیوه یا مطلقه در ایران به عنوان یک انسان بالغ می تواند مستقل و تنها زندگی کرده، مسئول زندگی و پاسخ گوی رفتار و اعمال خود بدون حضور و وابستگی به هیچ مردی باشد؟

" چگونگی وضعیت زندگی یک زن بعد از جدا شدن از مرد " را می دانیم، اما پاسخ درست و منطبق بر واقعیت از "چطور باید باشد" اینکه را با نگاه به وضعیت زنان مطلقه و بیوه، مشکلات و رفتار و توقع جامعه در برابر آنها، بسیار مشکل است.

این گروه زنان هر کدام به نوعی بعد از جدایی و یا ترک و فوت همسر دچار بحران های مختلف می شوند. با افرادی در جایگاه های مختلف در اجتماع روبرو می شوند که دقیقاً از همین ضعف و مشکلات آنها به نفع خود بهره برداری و سواستفاده می کنند.

در بعضی موارد، زن در چنین شرایطی، عملاً آزادی و اختیاری برای اعمال و شیوه زندگی خود را به وسیله اعضاء خانواده از دست می می گیرند. دهد؛ چنین زنانی هرچند در ظاهر دارای مشکلی آشکار نیست اما به دلیل جدایی بیشتر در معرض خطر قرار

### **«زن برابر نیست شوهر، با مرد بی زن بی»**

آیا یک زن بیوه و یا مطلقه می تواند در شرایط مشابه مثل یک مرد، در میان جامعه ایرانی زندگی کند؟

طلاق و یا مرگ شریک زندگی اگرچه برای زن و مرد به طور یکسان بر روح و روان و زندگی هر دو اثر منفی دارد، اما در ادامه زندگی، مشکلات بعدی در زندگی مردان به بدی و تنوع مشکلات زنان نیست.

**یکی از مهم ترین و اصلی ترین دلیل مشکلات زنان، نداشتن استقلال مالی و ناکافی بودن دستمزد و حقوق آنها برای اداره زندگی است.**

مشکل مهم دیگر که در بیشتر موارد نه همیشه پیامد همان نداشتن استقلال مالی زن است، دخالت های خانواده و اقوام در سرنوشت این گروه از زنان است.

زنی که شوهرش را از دست داده در کنار همه مشکلات، باید با قوانین تقسیم ارث و نگهداری از بچه ها هم دست و پنجه نرم کند. دخالت ها و دستورها و توقع هایی که اطرافیان زن در ماه های اول که به تازگی تنها شده، از او دارند گاهی بیشتر از درد اصلی طاقت فرسا می شود.

اقوام شوهر یا زن، شروع به کنترل زندگی زن بیوه کرده، اختیار اموال، درآمد، رفت و آمد زن را کنترل می کنند. برای زن بیوه خواستگارهای عجیب و غریب و نامتعارفی می فرستند و یا اینکه زن را، علی رغم میل خودش، مجبور به ازدواج مجدد می کنند.

بپذیرد. آنها در بیرون از در دوران جدایی زن مجبور می شود یا خود را مجبور و موظف می کند که هر شرایط سخت تحمیل شده ای را خانه مورد سواستفاده افراد غریبه و در داخل خانه هم، مورد سواستفاده افراد آشنا و فامیل قرار می گیرند. گاهی تنها آزادی و حق انتخاب آنها میان بد و بدتر است.

در باره وضعیت خود به عنوان یک بیوه می گوید: "نرگس"

بعد از فوت شوهرم، برای پسر و برادر شوهر و حتی برادران و پدر خودم، تبدیل شدم به یک دختر بچه که هیچی از دنیا و روزگار و « اقتصاد نمی داند و سرش نمی شود. هرکسی به اسم کمک، می خواست در واقع سنگ خودش را به سینه بزند و جیب خودش را پر کند. در آور اینکه می فهمیدم، اما باید ساکت می ماندم. مردم بیرون از خانه هم همینطور. به محض اینکه می فهمیدند امکان سواستفاده مالی از من وجود دارد، رحم نمی کردند. هرچه دلشان می خواست می گفتند، هرچه می خواستند انجام می دادند و در آخر با قیافه حق به



جانب و مظلوم می گفتند: خودت انتخاب کن .

و لب به دندان می گزیدیم . آقای مشاور شرکت ساختمان سازی، که وعده خراب کردن خانه من آنها را با چشم گریان نگاه می کردم «کلنگی و ساختن آپارتمان را می دهد، یا برادرشهر که می خواهد کارخانه کالباس سازی باز کند، و به پول نقد نیاز دارد . آشنا یا غریبه.

زنان وقتی در این دوره مورد آزار و سواستفاده های دیگران قرار می گیرند، از ترس و عکس العمل و برخورد دیگران، مشکل پیش آمده یا سختی های طاقت فرسای زندگی شخصی خود را از همه به خصوص پسر، پدر، برادر و یا مردان فامیل پنهان کرده، سکوت می کنند. وقتی زنی بیوه یا مطلقه قربانی سواستفاده می شود، همیشه یکی از مشکلات عمده او، غیرت مردان اقوام و فامیل او است.

**اگر زن، از حمایت کافی مردان در دایره خانوار و اقوام خود برخوردار باشد، یکی از بزرگ ترین راه های سواستفاده و تهدید و آزار و اذیت آنها برای همیشه بسته خواهد شد.**

### «بازار کار برای زنان مطلقه یا بیوه»

وضعیت تاهل زنانی که می خواهند جذب بازار کار شوند در استخدام شدن یا نشدن آنها موثر است.

در شرایط ها خودداری کرده و یا کارفرما شوند، از استخدام آنها، بعد از اینکه از وضعیت تاهل متقاضی خود آگاه می بسیاری از کارفرما استخدام رسماً اعلام نمی کند، اما فقط به دنبال مجردها و از آن بهتر، زنان بیوه یا مطلقه است.

یکی از مشکلات بزرگ این گروه از زنان، پیدا کردن کار مناسب است. متأسفانه بعضی، از مستاصل ماندن زن سواستفاده می کنند. زنان را با دستمزد پایین تر از حقوق واقعی استخدام کرده، یا مثل برده از آنها در کارگاه کار می کشند. آنها را به کارهایی که تمایلی ندارند وادار کرده و یا مورد سواستفاده جنسی قرار می دهند.

زن قربانی تنها به این دلیل که خود را محتاج حقوق و دستمزد می داند، در اکثر موارد رنج و مشقت را تحمل کرده، از ترس بیکار شدن، شکایتی به نهاد های دولتی و یا مراجع قانونی نمی کند.

### «مجبور شدم»

گروه دیگر بعد از جدایی، ناخواسته و یا به اجبار، وارد دارودسته های فساد، مواد مخدر یا تن فروشی شده یا دچار اعتیاد می شوند. اینکه توان و استقامت آنها چطور و در کجا شکسته شود، به عزت نفس و اعتماد به نفس و البته وضعیت مالی و استقلال و شرایط زندگی هر یک نفر از آنها باز می گردد.

آنها نمی خواهند، اما صاحب خانه، صاحب کار، رئیس شرکت، یکی از اقوام دور، دوست فاسد، یا پیدا شدن مردی که به شکل حامی و رو برو شده ، اما در آخر قصد و نیت همه فقط سواستفاده " فقط و صرفاً برای کمک " دوست ظاهر می شود یا روبرو شدن با پیشنهاد است .

بعضی از زنان قربانی وعده های پوچ می شوند، فریب قول های دروغ را خورده، به کاری تن می دهند که خودشان هم آنرا درست نمی برای همیشه، خود را به دردسر انداخته، از چاله " فقط همین یک بار" دانند و یا تمایلی به انجام آن ندارند. آنها در آخرین لحظه، با گفتن گرفتاری، به چاه عمیق تری سقوط می کنند.

می دهند و یا به طمع و به دنبال به معمولاً بعد از بار دوم، دوباره با همان روش تکراری قربانی می شوند و اشتباه بعدی و بعدی را انجام دست آوردن جایگاهی بهتر در زندگی، یا در محیط کار و یا استقلال مالی به زندگی که نمی خواهند و انواع سواستفاده ها به سکوتی تلخ و دردناک تن می دهند.

خواستم، اما مجبور شدم . چون پول نداشتم، چاره نداشتم، من نمی» اگر به سرگذشت زنان تن فروش و معتاد گوش کنیم، اغلب به جمله: بر «...ترسیدم، مجبورم کردند، خسته شدم، راهی پیدا نکردم، کار نداشتم، مسکن و سرپناه نداشتم، به خاطر تامین زندگی خانواده ام خواهیم خورد.

کار پیدا کرده و فوراً مشغول می شوند. آنها کسانی هستند که چون از حق و حقوق خود باخبر نیستند، و در این میان زنانی هم هستند که یا از میزان واقعی دستمزد ها خبر ندارند، به هر پیشنهادی جواب مثبت می دهند. هدف آنها تنها مشغول شدن به کار و شغل و داشتن درآمد است. اما چه کاری؟ با چه دستمزد و یا چه شرایطی؟

اشتغال این گروه از زنان شاید از تعداد آمار افراد بیکار بکاهد و یا در ظاهر به نظر برسد که تعداد زنان شاغل افزایش یافته است اما زنانی که

به خاطر محرومیت به هرکاری تن می دهند، اغلب دستمزد واقعی خود را نمی گیرند. در شرایط نامناسب و سخت کار می کنند و مورد آزارهای گوناگون قرار می گیرند .

، او را با دویچه هفت و پنج ساله رها کرده و سال ها پیش رفته است. لاله درباره زندگی خود می گوید: "لاله "شوهر

مدت ها بود که می دونستم معتاد شده و می کشه. همچی پنهونی هم نبود. هفته اولی که خونه نیومد ، تعجب نکردم. شاد هم بودم «  
راسش رو بگم . بعد قضیه جدی شد. صاب خونه کرایه شو می خواست. من سبزی پاک می کردم که کمک خرج باشم . با دستمزد من،  
اجاره خونه رو نمی شد داد. سه ماه که کرایه عقب افتاد، صاب خونه گفت: یا پول میدی یا پرتت می کنم تو کوچه .

منم روم رو سفت کردم و گفتم : پول ندارم . کار ندارم . چه کنم ؟ کمکم کن کار گیر بیارم . دوتا بچه دارم، خدا رو خوش نیما .

صاحب خونه گفت: باشه به خاطر بچه هات حاضری هرکاری کنی؟

گفتم: آره . خیالت راحت.

گفت: می فرستمت کلفتی بالای شهر . اما باید دهنتم بسته باشه ها.

گفتم: رو چشمم. هرچی شما بگی.

اول برای آقاها بساط می چیدم. خدایی خوب انعام می دادن. بعد از کارم راضی شدن، به هم معرفی کردن.

می گفتن: ثواب داره، لاله دوتا بچه داره.

تا بالاخره صاحب خونه صداس دراومد.

گفت: یا هرچی پول گرفتی نصف میدی به من، یا من می دونم تو.

گفتم: چیکار می کنی؟ من که کرایه هامو می دم، دیگه چی می خوام؟

گفت: به همه بگم معتادی، دستت کج بوده دیگه یک نفر هم بهت کار نمیده. نصف پول مال منه که کار پیدا می کنم.

دردسرت ندم. من مثل سگ شب ها تا صبح کار می کردم ، صاحب خونه کرایه و نصف پول منو می گرفت. تا محسن خان تو یکی از  
مهمونی های بالا شهری پیداش شد و بهم گفت: از پیش اون عوضی بیا بیرون. می زارمت توی سرویس بهداشتی زنونه. خیر بینه . از اون  
«به بعد، دیگه اینجام . تو مستراح کار می کنم، اما دیگه سرم بالاست.

پایان قسمت اول

منابع :

قانون تامین زنان و کودکان بی سرپرست - (۱) مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی

<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/92111>

« افزایش نرخ بیکاری زنان به ۴۶ درصد » - خبرگزاری مهر - بهشت ۳۹۳۱ (۲) ۱۷ اردی

<http://www.mehrnews.com/news/2279637>

«افزایش ۵.۲ برابری تعداد زنان سرپرست خانوار» - شنبه ۱۳ تیر ۳۹۳۱ (۳) سه

<http://www.mehrnews.com/news/2334933>

«پوشش یک میلیون سرپرست خانوار زیر چهل سال» - خبرگزاری ایسنا - (۴) ۲۱ آبان ۳۹۳۱

<http://isna.ir/fa/news/93080904391>

(۵) سازمان بهزیستی کشور

[www.behzisti.ir](http://www.behzisti.ir)

---